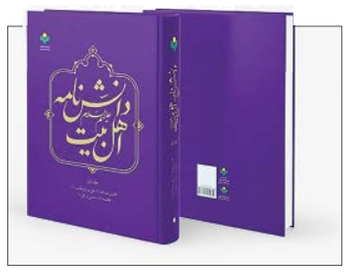
خبر

جلد نخست کتاب دانشنامه اهل بیت(ع) منتشر شد

جلد اول کتاب «دانشنامه اهل بیت(ع)» اثر علیرضا واسعی، مصطفی صادقی کاشانی، یدا... حاجی‌زاده، علیرضا عالمی، نعمتا... صفری فروشانی، محمدتقی ذاکری و معصومه اخلاقی است که در پژوهشکده تاریخ و سیره اهل بیت(ع) پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تهیه شد و به همت نشر این پژوهشگاه در ۸۰۷ صفحه به چاپ رسید. بی‌تردید دانشنامه اهل بیت(ع) با توجه به اهمیت بی‌بدیل جایگاه عترت پیامبر در تبیین آموزه‌های اسلام می‌تواند نقش مهم و ماندگاری در شناساندن روش و منش ایشان و الگودهی به جوامع اسلامی و دفاع معقول و صحیح از تعالیم دینی ایفا کند. مسیر تدوین این دانشنامه به گونه‌ای طراحی شده که برآیند کار بتواند اهدافی همچون تبیین مستند و پویایی تعالیم و شخصیت اهل بیت(ع) برای دفاع عالمانه از ایشان، بازآرایی تعالیم اهل بیت(ع) با توجه به نیازهای معاصر، توسعه و تحکیم آموزه‌های اهل بیت(ع)، زدودن غبار جهل و خرافات از معارف اهل بیت(ع)، تبیین جایگاه اهل بیت(ع) در علوم، پاسخگویی روشمند و علمی به سوالات و شبهات مطرح‌شده در عرصه ملی و بین‌المللی در سیره و آموزه‌های اهل بیت(ع)، بازشناسی ابعاد گوناگون سیره و تاریخ اهل بیت(ع)، شناسایی و ارزیابی میراث علمی اهل بیت(ع) و آثار مرتبط با ایشان را برآورده سازد. در این دانشنامه به اقتضای موضوع آن به آیات و نیز روایات پرشماری از اهل بیت استناد شده است.



مدیران فرهنگی دولت چهاردهم باید چه ویژگی ه

۱۰ مطالبه فرهنگی از



آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

در آستانه برگزاری چهاردهمین انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران هستیم و ایرانیان در سراسر جهان، روز جمعه با حضور در پای صندوق‌های رأی رئیس جمهور جدید خود را انتخاب خواهند کرد.

در دوران برگزاری مناظرات و میزگردهای تلویزیونی و نیز گفت‌وگوهای نامزدها با کارشناسان، بخشی از وقت این برنامه‌ها به ارائه طرح‌ها و ایده‌های هر یک از آنان درباره مسائل فرهنگی اختصاص داشت اما به نظر می‌رسد هنوز در جزئیات طرح‌ها و برنامه‌ها، ابهامات و پرسش‌های بسیاری باقی مانده است.

در زمان طرح برنامه‌های فرهنگی نامزدها، با وجود این‌که در میان حوزه‌های مرتبط با فرهنگ و هنر، حوزه ادبیات و کتاب، اهمیتی راهبردی و بنیادین دارد، اما این حوزه طبق معمول زیر سایه حوزه‌های دیگر همچون سینما قرار گرفت و بیشتر مباحث فرهنگی نامزدها به این سمت رفت که قرار است برای سینما و بازیگران سینما چه کنند؛ اما در این زمینه به مباحث راهبردی و اساسی و نیز مشکلات و چالش‌های دیگر بخش‌ها کمتر پرداخته شد. ما سعی کرده‌ایم به ۱۰ معضل و مشکل مهم فرهنگ با نگاهی کلی و جامع‌نگر بپردازیم و از نامزدهای محترم می‌خواهیم تا زمان اندکی که تا پایان برنامه‌های تبلیغاتی دارند، در این زمینه برنامه‌های خود را ارائه دهند یا این‌که این معضلات را در تدوین سیاست‌های آینده دولت خود در نظر داشته باشند؛ چراکه هر رئیس جمهوری سکان هدایت دولت چهاردهم را در دست بگیرد، باید با نگاهی کلان و راهبردی به حوزه فرهنگ بپردازد؛ وگرنه در بر همان پاشنه قبلی خواهد چرخید. در صورتی که مدیریت کلان این حوزه، نگاهی فرابخشی و اصولی به آن نداشته باشد، مانند گذشته فقط بودجه‌های اندکی به حوزه فرهنگی اختصاص خواهد یافت و پیچ‌وخم‌های نظام دیوان‌سالاری موجود، سبب خواهد شد این بودجه اندک هم به شکلی مطلوب و دارای بازده مناسب مصرف نشود.

جنگ فرهنگی، ژنرال‌های فرهنگی می‌خواهد

داشتن اهداف والا و چشم‌انداز وسیع، فقط برای رسیدن به جایگاه برتر فرهنگی کافی نیست. برای این کار برنامه‌ریزی لازم است ولی از آن بالاتر این است که برای جنگ فرهنگی، باید ژنرال‌هایی با دیدگاه‌های فرهنگی در رأس کار قرار بگیرند. اگر فردی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مدیر شود که پیشینه او فقط سفارت یا مدیریت بر هلدینگ‌های مالی باشد و تازه بعد از ورود به این وزارتخانه، قرار باشد این حوزه را با پیچیدگی‌های مخصوص به خود بشناسد، راه به جایی نخواهد برد. در رأس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید کسی حضور داشته باشد که ادبیات ایران را با همه تاریخچه تحولات و تطورات آن بشناسد، سینما، تئاتر، موسیقی، رسانه و همه اجزای تشکیل دهنده پازل فرهنگ و هنر را درک کرده باشد و ارتباط آن را با فرهنگ ایران و اسلام را در کلیت آن بشناسد. نه تنها وزیر، بلکه همه نیروهای مؤثر در وزارت و دیگر سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی دولت نیز باید این‌گونه باشند. واقعیت این است که در حال حاضر یکی از مشکلات مهم ما نبود مدیران فرهنگی تراز و دارای ویژگی‌های لازم برای تصدی این کرسی‌هاست. مدیران فرهنگی به‌خصوص در رده‌های میانی معمولا در طول سال‌های گذشته از نیروهای سیاسی هم‌نظر با رؤسای جمهور وقت انتخاب می‌شده‌اند. این امر باعث شده زبان مشترکی میان اهل فرهنگ و هنر و مدیران برقرار نشود و فاصله ستاد فرهنگی دولت و صف هنرمندان و اهل قلم هر روز بیشتر شود. جهت رفع این کاستی باید چارچوبی مشخص و دقیق برای تربیت نیروی انسانی که مدیریت این حوزه را به‌دست بگیرد، تدارک دید و شیوه‌هایی تازه و دیدگاهی مبتنی بر اصول مدیریت فرهنگی برای وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های فرهنگی وابسته به دولت تدارک دید که در آن سلیقه‌های شخصی و گروهی مدیران، ملاک نباشد تا با آمدن یک مدیر، طرح‌هایی تازه به راه بیفتد و با رفتن او آن طرح‌ها از حرکت بیفتد. اهل فرهنگ و هنر می‌توانند ده‌ها رویداد، طرح، برنامه و رویکرد موفق را در طول دهه‌های اخیر برای‌تان بشمارند که بعد از چند سال برگزاری، به دلیل تغییر مدیران، برگزاری آنها متوقف شده است. باید ساختاری بر دستگاه‌های فرهنگی دولت حاکم شود که در آن تضمین شود برنامه‌های دارای بازده، مؤثر و موفق، با آمدن و رفتن مدیران نه فقط تعطیل نمی‌شود، بلکه تقویت هم خواهد شد. نکته مهم این است که با وجود این‌که همه به لزوم قرارگرفتن افرادی از جنس فرهنگ در مدیریت این بخش معترفند، تقریبا همه دولت‌ها نسبت به دادن مجال و میدان به این‌گونه افراد برای کادرسازی و تربیت مدیرانی از جنس فرهنگ در آزمون عملی حکمرانی فرهنگی، مقاومت کرده‌اند. مدیریت آینده فرهنگی کشور باید ترکیبی از پیران و جوانان اهل ادب و هنر باشد تا در تعامل میان این دو گروه، انتقال تجربه و دانش نیز روی دهد و بتوانیم به آینده امیدوارانه‌تر بنگریم.

نقشه راه جامع چیست؟

ما در طول دهه‌های گذشته، میلیاردها تومان سرمایه در بخش فرهنگ خرج کرده‌ایم؛ افراد زیادی سر کار آمده‌اند و رفته‌اند و مجموعه‌ای از تجربیات هم افزوده در پیروزی و شکست در امر فرهنگی داشته‌ایم. گروهی بر این باورند که ما یکسره در امر فرهنگ آسیب‌های فراوان خورده‌ایم و آنچه در برخی صحنه‌های تقابل میان بخشی از جامعه دیده می‌شود، نشان‌دهنده مظلومیت تمام‌عیار برنامه‌های فرهنگی و آموزشی است. این دیدگاه صفر و یکی در فرهنگ و هنر جواب نمی‌دهد. واقعیت این است که ما در طول بیش از چهار دهه اخیر در این بخش، به‌کامی‌های بسیار داشته‌ایم و البته در موارد بسیاری هم ناکام مانده‌ایم. نکته اصلی اما اینجاست که ما در حال تکرار شکست‌ها و موفقیت‌های خود بوده و هستیم. شکست‌های ما به‌خصوص در حوزه فرهنگ، درسی برای ما نمی‌شوند. برای مثال در دورانی تصمیم گرفتیم بخش زیادی از یارانه‌های دولتی را در خصوص حمایت از نشر، به کاغذ اختصاص دهیم. این امر باعث شد دکانی به نام فروش کاغذ دولتی به‌وجود آید و نبود نظارت باعث شد برخی ناشران با گزارش نادرست شمارگان آثار منتشر شده، سهمیه‌ای غیرواقعی از دولت بگیرند و کاغذهای دولتی را در بازار آزاد بفروشند. این وضعیت با وجود این‌که شکست آن از پیش معلوم بود، به شکل‌های مختلف در دولت‌های بعدی هم تکرار شد. نکته اینجاست که ما هرگاه در دوره‌ای توانسته‌ایم موفقیت‌هایی هم داشته باشیم، آن را به یک مدل قابل تعمیم تبدیل نکرده‌ایم. امروزه سینمای ما به‌طور مرتب در حال جابه‌جایی رکوردهای فروش است اما آیا دولت سعی کرده است از این موفقیت قابل‌تقدیر، مدلی برای تکرار در دیگر هنرها بیرون آورد؟ حتی گاهی یک سیاست درست و قابل دفاع، چنان اجرا شده که بعد از مدتی به ضد خودش تبدیل گردیده است، یعنی ما نتوانسته‌ایم در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و هنری، حداکثر و حداقل‌ها را درست طراحی کنیم، بدانیم جای دخالت دولت کجاست یا اجرای یک طرح، چه ظرفیت‌ها و زیرساخت‌هایی رالازم دارد. موضوع تئاترهای خصوصی یک نمونه خوب در این زمینه است. زمانی همه بار هنر نمایش برعهده دولت بود و اگر پول و سالن و حمایت دولتی نبود، تئاتری اجرا نمی‌شد. دولت تصمیم گرفت بخش خصوصی را در این زمینه فعال کند اما مهار چنان از دست در رفت که امروز در غیاب تنظیم‌گری دقیق و نظارت تعریف شده، تئاتر خصوصی به یک مشکل تبدیل شده است! یکی از مهم‌ترین ایرادهای دولت‌های ما، نگاه مقطعی و کوتاه‌مدت به فرهنگ است در حالی‌که فرهنگ، ذاتا یک امر زمانبر، طولانی مدت و بطئی است و برای مدیریت آن، نگاه چهار ساله کافی نیست بلکه باید آن را در امتداد یک نقشه راه بلندمدت دید که بتواند با تغییرات نسلی، فناورانه و نگرشی خود را هماهنگ کند.

ظرفیت‌های فراموش شده در استان‌ها

در سال‌های اخیر بارها شنیده‌ایم که بسیاری از شهرستان‌های کشور از داشتن حتی یک سالن سینما محروم بوده‌اند. در دولت سیزدهم، تلاش گسترده و ملی برای ساخت سالن‌های سینما در سطح کشور آغاز شد و این دولت توانست تعداد سالن‌های موجود را از ۵۷۰ باب به حدود ۸۷۰ باب برساند که یک موفقیت ارزشمند است. این آمار نشان می‌دهد توزیع زیرساخت‌ها، امکانات و بودجه‌های فرهنگی و هنری در کشور به‌شدت تبعیض‌آمیز است. این بی‌عدالتی فقط در نرم‌افزارها نیست و رفع بی‌عدالتی هم فقط در ساخت سالن و اجرای پروژه‌های عمرانی خلاصه نمی‌شود بلکه بخش بزرگی از این بی‌عدالتی خود را در توجه و میدان دادن به نیروهای فعال و هنرمندان مناطق مختلف کشور عیان می‌کند. هنرمندی که در شهرستان فعالیت می‌کند، برای دیده‌شدن راه سخت و صدبرابر دشواری دارد. او حتی در شهر و استان خود هم به اندازه یک هنرمند ساکن تهران قدر نمی‌بیند. بارها دیده‌ایم برای اجرای یک برنامه هنری مثلا یک اجرای موسیقی، یک گروه از تهران به شهرستان‌ها می‌روند تا در برابر چشم هنرمندان آن شهر برنامه اجرا کنند و چندبرابر آنها دستمزد بگیرند. روندهای مختلف کار در حوزه فرهنگی از صدور مجوزها تا برگزاری رویدادها به‌شدت وابسته به تهران است. برای مثال برای برگزاری مراسمی به مناسبت روز بزرگداشت شهرهای مختلف، مرکز باید تصمیم بگیرد. در این زمینه باید قدرت اجرایی استانداران و مدیران‌کل افزایش یابد و به مدیران‌کل اختیارات بیشتری تفویض کرد و اجازه داد آنها با توجه به نیازهای مناطق مختلف کشور تصمیم‌گیری کنند. شوراهای برنامه‌ریزی استانی باید از وابستگی فلج‌کننده به پایتخت رهایی پیدا کنند و مدیران بتوانند امکانات در اختیار خود را براساس نیازهای منطقه‌ای، محرومیت‌های پسینی و چشم‌اندازهای آینده و براساس ویژگی‌های بومی مناطق مختلف و خرده‌فرهنگ‌های سراسر کشور توزیع کنند. ضمن این‌که خود بحث بودجه نیز باید مورد تجدیدنظر واقع شود و منابع مالی تخصیصی استان‌ها به شکلی افزایش پیدا کند که شاهد جهش در جهت رفع بی‌عدالتی فرهنگی باقیمانده از سال‌های گذشته در سطح کشور باشیم.

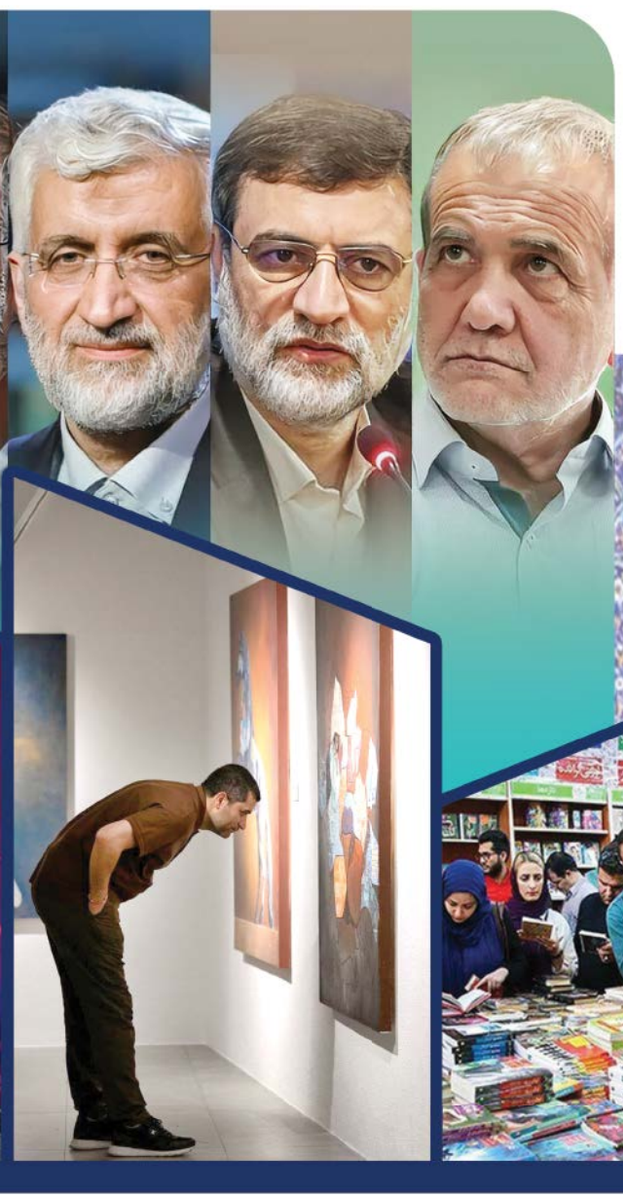
رئیس جمهور آینده باید همزمان با استقرار در خیابان پاستور، برنامه هفتم توسعه کشور را اجرا کند. احکام و تکالیف در این برنامه در بخش فرهنگ و هنر، روشن و با توجه به امکانات کشور، کاملا قابل تحقق هستند

گشت ارشاد برای مدیران ناتوان!

دادن اختیارات، افزایش بودجه و حرکت در مسیر چشم‌اندازها لازم است، اما کافی نیست. مدیران به‌خصوص مدیران فرهنگی باید درقبال عملکرد خود پاسخگو باشند. چنان‌که گفتیم در سال‌های اخیر، مدیرانی در بخش فرهنگ و هنر دولت‌های مختلف در مصدر کار قرار گرفته و آنان نیز مدیران میانی را به کار گمارده‌اند. در موارد زیادی آنها با عملکردهای سلیقه‌ای، غیرکارشناسی و ایده‌های خلق‌الساعه، عملکردهای عادی و موفق را دچار اختلال کرده‌اند و برخی تأسیسات فرهنگی را که در سال‌های پیش از مدیریت آنان منشأ اثر بوده‌اند از میان برده‌اند. این مدیران که بیشتر آنان خاستگاه سیاسی و نگرشی غیرفرهنگی داشته‌اند، بعد از پایان مدت‌زمان تصدی‌شان بر حوزه فرهنگ، اغلب از این حوزه به جایگاه‌های اصلی‌شان یعنی سیاست و اقتصاد بازگشته‌اند و هیچ‌گاه در برابر اغتشاشی که در کار فرهنگ و هنر کشور ایجاد کرده‌اند، پاسخگو نبوده‌اند. برخی از آنان حتی به قانون‌های بالادستی همچون سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله پایبند نبوده‌اند، تخلفات فراوانی از قانون‌های بودجه سالانه داشته‌اند و گاه با سختگیری یا آسان‌گیری‌های سلیقه‌ای، روابط دولت و هنرمندان را دچار اختلال کرده‌اند. در همه این موارد کسی آنان را بازخواست نکرده است. حتی مدیرانی هم که موفق بوده‌اند و کارنامه قابل توجهی داشته‌اند، با تغییر دولت‌ها بدون توجه به نتیجه عملکرد خود از کار برکنار شده‌اند. عدم نظارت بر عملکردها باعث خسارت‌های مادی و معنوی بسیاری شده است. شاید یکی از دلایل این‌که مدیران فرهنگی هیچ‌گاه پاسخگوی عملکرد خود نبوده‌اند، نبود حساسیت چندان مردم و رسانه‌ها به این حوزه نسبت به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی باشد. این تصور ایجاد شده است که فرهنگ و هنر، حوزه‌ای است که اولا در آن گردش مالی چندان قابل‌توجهی وجود ندارد و ثانیا چنان پاک و منزه است که نمی‌توان در آن حرف از اشتباه، قصور یا تقصیر زد درحالی‌که در این حوزه هم مدیران دولتی در سال‌های اخیر ترک فعل‌های فراوانی مرتکب شده‌اند که باید نسبت به آن پاسخ دهند.

توجه به برنامه هفتم

رئیس جمهور آینده باید همزمان با استقرار در خیابان پاستور، برنامه هفتم توسعه کشور را اجرا کند. احکام و تکالیف در این برنامه در بخش فرهنگ و هنر، روشن و با توجه به امکانات کشور، کاملا قابل تحقق هستند. ساخت سالانه ۲۰ فیلم سینمایی فاخر، رسیدن به رشد متوسط ۲۵ درصد، افزایش مؤسسه‌های فرهنگی چندمنظوره، تولید ۷۳۰۰ ساعت پویانمایی ویژه کودکان و نوجوانان، تولید ۵۰۰ اثر فاخر رسانه‌ای با موضوعات قرآنی، تهیه و تصویب طرح فرهنگی مسجدمحوری در محلات، تدوین آیین‌نامه اجرایی حمایت و پشتیبانی از مردمی‌سازی فرهنگ و جریان حلقه‌های میانی مروج گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه‌هایی همچون نهضت‌های قرآنی، خانواده، بانوان، عفاف و حجاب، فضای مجازی و تولید محتوای رسانه‌ای، نوشت‌افزار ایرانی-اسلامی، مطالبه‌گری پیشرفت و عدالت، جنبش نرم‌افزاری، فعالیت‌های مردمی ورزشی، تربیتی و سبک زندگی سالم و ... ازجمله تکالیف دولت در این برنامه است. این اهداف را دولت باید به‌صورت برنامه‌هایی قابل راستی‌آزمایی، جزئی و براساس وظایف سازمان‌ها و نهادهای دولتی تدوین و در اختیار مردم و رسانه‌ها قرار دهد. برای مثال اعلام کند از میان ۲۰ فیلمی که سالانه قرار است تولید شوند، چند فیلم تحت حمایت بنیاد سینمایی فارابی تولید خواهند شد و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان یا دیگر سازمان‌ها و وزارتخانه‌ها چگونه در این امر همراهی خواهند کرد. این برنامه‌ریزی می‌تواند دیگر نهادها و وزارتخانه‌هایی را که تاکنون درگیر این امر نبوده‌اند، به صحنه بکشاند. مثلا دولت برنامه‌ریزی کند وزارت میراث فرهنگی و گردشگری سالانه تعداد مشخصی فیلم سینمایی با درجه کیفی بالا در موضوع شناخت ایران و مفاخر





قاب



ساعات پایانی زندگی شهید جمهور در قاب مستند

پس از شهادت آیت‌ا... رئیسی و هیأت همراه ایشان در واقعه تلخ سقوط بالگرد، جامعه هنری نیز از این اتفاق متأثر شد. ساخت مستند از خدمات شهید جمهور و دوره سه‌ساله ریاست‌جمهوری آقای رئیسی، یکی از نخستین فعالیت‌های هنری بود که مطرح شد. وزیر ارشاد چند روز پیش از ساخت یک مستند پرتره به مناسبت اربعین شهادت آیت‌ا... رئیسی و اکران آن در سینماها خبر داد و به نظر می‌رسد مستندهای دیگری نیز در دست تولید است.

نمایشنامه

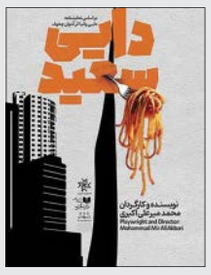


«چخفته» منتشر شد

نمایشنامه «چخفته» نوشته فرزانه محمدحسین به‌تازگی توسط نشر ویرسو در ۱۱۸ صفحه چاپ و روانه بازار کتاب شد. این نمایشنامه با رویکردی روانکاوانه برداشتی آزاد از آثار نویسنده شهیر روس، آنتون چخوف و خلق داستانی جدید با موقعیت‌های بدیع است که دغدغه‌های اجتماعی فرزانه محمدحسین در لایه‌های عمیق‌تر آن احساس می‌شود. در خلاصه‌ای درباره این کتاب آمده است: «نوشتن گاهی هنر والایش ناکامی‌هاست و نویسنده در خلق اثر هنری، جهان رویاها، شکست‌ها و آرزوها را همچون تجربه زیسته به تصویر می‌کشد. آن‌گاه شناخت مرز میان خیال، خواب و واقعیت دشوار خواهد بود و چخفته روایت ذهن یک نویسنده دقیقه‌ای پیش از مرگ است.»

این نمایشنامه پیش از انتشار با چهار دوره اجرای موفق در سالن‌های نمایشی عمارت نوفل‌لوشاتو، تالارهای سایه و چهارسوی مجموعه تئاتر شهر و همچنین سالن هلال احمر شهر رشت، در نیمه اول سال ۱۴۰۲ مورد توجه مخاطبان بوده است. نمایشنامه چخفته هم‌اکنون در ۱۱۸ صفحه و با مبلغ صدهزار تومان در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.

تئاتر



نمایش‌های جدید روی صحنه می‌روند

نمایش‌های «دایی سعید» به کارگردانی محمد میرعلی اکبری و «تابستان بود» به کارگردانی محمود حسینی اجرای عموم خود را در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران آغاز کرده‌اند. نمایش دایی سعید به نویسندگی و کارگردانی محمد میرعلی اکبری از چهارشنبه ۳۰ خرداد اجرای خود را در تماشاخانه استاد انتظامی آغاز کرده و هرشب ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه روی صحنه می‌رود. در خلاصه داستان این اثر که در راستای اقتباس‌های چخوفی محمد میرعلی اکبری، برداشتی ایرانیزه از دایی وانیا نوشته آنتون چخوف بوده، آمده است: سعید با اضافه‌وزن خود مشکل دارد. او به رژیم و ورزش روی آورده است و... . همچنین نمایش تابستان بود، به نویسندگی و کارگردانی محمود حسینی از چهارشنبه ۳۰ خرداد اجرای خود را در تماشاخانه استاد انتظامی آغاز کرده و هر شب ساعت ۲۱ روی صحنه می‌رود. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: تابستان بود... . نمایش‌های دایی سعید و تابستان بود تا ۲۲ تیرماه هر شب (به غیر از شنبه‌ها) پذیرای مخاطبان در تماشاخانه استاد انتظامی خانه هنرمندان ایران است.